



شبهه سازی ملل متحد بلخ ۱۳۹۸

مجلس نماینده گان (ولسی جرگه) پارلمان افغانستان

رهنمود مطالعه



Dear Delegates,

On behalf of Youth Empowered Society & Secretariat of BMUN 2019, it's my distinct pleasure to welcome you to the Balkh Model United Nations 2019, to be held in Mazar-i-Sharif, Balkh on 25th, 26th & 27th April 2019.

Balkh Model United Nations provides delegate to express their opinions regarding a very large scale of issues and gives the unique opportunity to tackle those issues with innovative ideas. It's expected from you to do an attentive research in order to come up with innovative and applicable solutions to the issues you have been given. This is a tremendous event to hone your MUN skills, meet lifelong friends and have unforgettable experiences.

In this background guide, you are going to find some general information regarding your committee's topics. However, it's impossible to know everything, so please do not limit yourself with this background guide. Always remember, that there is so much to discover and so much to learn.

Lastly, I must say that I am very excited to be working with you and I am looking forward to seeing the passionate and resolution –driven debate, diplomatic cooperation and inventive solutions that will come out of this conference. Please do not hesitate to contact us with any question or concern you may have regarding this committee or Balkh MUN. Hope to see you all in near future.

Sayed Murtaza Hashimi
Founder & President
Balkh Model United Nations 2019

فهرست مطالب

۴.....	کمیته پارلمان
۴.....	تاریخچه
۴.....	معلومات عمومی
۴.....	آشنایی به شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان
۵.....	انتخاب اعضای مشرانو جرگه:
۵.....	اوصاف کاندید برای عضویت در شورای ملی:
۵.....	انتخاب هیأت اداری مجلس:
۶.....	صلاحیت‌های شورای ملی:
۶.....	صلاحیت‌های اختصاصی ولسی جرگه:
۶.....	قانون چیست
۷.....	انتخابات شورای ملی:
۷.....	انتخابات شوراهای ولایتی:
۷.....	انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها:
۸.....	موضوع ۱: چالش‌ها و پیامدهای حکومت موقت و آتش‌بس
۸.....	حکومت موقت: چالش‌ها و فرصت‌ها
۱۰.....	سایه‌روشن گفتگوهای صلح حکومت افغانستان با طالبان
۱۴.....	موضوع ۲: خروج آمریکا و تهدید دستاوردهای هفده سال اخیر
۱۴.....	خروج آمریکا از افغانستان
۱۶.....	آمریکا و دشواری خروج از افغانستان
۱۷.....	صلح خلاف دستاوردهای ۱۷ سال اخیر، صلح منفی خواهد بود
۱۸۸.....	منابع و مأخذ:

کمیته پارلمان

تاریخچه

نخستین بار فکر ایجاد پارلمان که بیشتر از تحولات منطقه و جهان الهام گرفته بود، در زمان شاه امان الله خان در افغانستان طرح و تهداب آن در نظامنامه اساسی حکومت وی گذاشته شد، این پارلمان بیشتر جنبه مشورتی داشت تا قانونگذاری. پس از تصویب اصول اساسی دولت نادرخان، پارلمان به دو مجلس (شورای ملی و اعیان) بطور رسمی تاسیس شد. که اولین دوره شورای ملی بتاريخ ۱۸ سنبله ۱۳۱۰ با عضویت ۱۱۱ نفر در قصر سلام خانه ارگ آغاز به کار نمود و از آن تاریخ تا سال ۱۳۵۲ سیزده دوره تقنینی دایر گردید. اعضای شورای ملی (پارلمان) در افغانستان از بدو تاسیس تا این زمان بیشتر انتصابی بود تا انتخابی و مدت هر دوره تقنینی دو الی سه سال بود. با کودتای داود خان پارلمان منحل شد و در قانون اساسی سال ۱۳۵۵ داود خان، پارلمانی بنام "ملی جرگه" دارای یک مجلس در نظر گرفته شد، اما این قانون اصلاً به مرحله تطبیق نرسید. در سال ۱۳۶۷ بار دیگر در دوره حکومت نجیب الله شورای ملی مجدداً بعد از ۱۴ سال وقفه با دو مجلس (ولسی جرگه و سنا) آغاز به کار نمود ولی این بار نیز تنها برای یک دوره ادامه یافت. بعد از فروپاشی حکومت نجیب الله از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۴ برای ۱۴ سال دیگر افغانستان فاقد قوه مقننه بود و بعد از تصویب قانون اساسی جدید، سال ۱۳۸۲، افغانستان، باز هم پارلمانی با دو مجلس (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) احیا گردید که در سال ۱۳۸۴ دوره ۱۵ تقنینی یا پارلمانی، برای مدت پنج سال آغاز به کار نمود. همچنان در سال ۱۳۸۹ دوره شانزدهم پارلمان آغاز بکار نمود که در سال ۱۳۹۴ با انقضای دوره پنج ساله تقنینی، حکومت نتوانست انتخاب پارلمانی را در وقت معین آن برگزار نماید، این دوره برای یک سال تمدید گردید و تا اکنون ادامه دارد. قانون اساسی سال ۱۳۸۲ ماده ۸۱ مقرر می‌دارد که شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.

معلومات عمومی

- اشتراک کننده های عزیز کمیته پارلمان، از آغاز الی ختم برنامه برای هر یک شما لقب نماینده مردم و یا وکیل داده میشود.
- شورای ملی یا پارلمان متشکل از دو مجلس میباید که عبارت از ولسی جرگه و مشرانو جرگه، در جریان کنفرانس ما شبیه سازی از ولسی جرگه شورای ملی را انجام میدهم.
- برای شما یک نقل از اصول وظایف داخلی ولسی جرگه داده میشود، نماینده های محترم مکلف اند تا سند مذکور را مطالعه نموده و در جریان مجلس همه امورات را مراعات نمایند.

آشنایی به شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند. هر عضو شورا در موقع اظهار رای، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می‌دهد.

شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد، هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد. اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد. دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید، انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می گردد. تعداد اعضای ولسی جرگه به

تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دو صد و پنجاه نفر می باشد، حوزه های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد. در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.

انتخاب اعضای مشرانو جرگه:

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند:

۱. از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال.
۲. از جمله اعضای شوراهای ولسوالی های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال.
۳. یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت های خبیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر از نمایندگان کوچی ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را ازین زنان تعیین می نماید. شخصی که به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

اوصاف کاندید برای عضویت در شورای ملی:

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل می باشد:

- تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.
- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.
- اعضای ولسی جرگه سن ۲۵ سالگی را در روز کاندید شدن و اعضای مشرانو جرگه سن ۳۵ سالگی را در روز کاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند. وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

انتخاب هیأت اداری مجلس:

هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند.

این اشخاص هیأت اداری ولسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می دهند. وظایف هیأت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود. هر یکی از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد. ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید. ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

صلاحیت‌های شورای ملی:

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱. تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی.
۲. تصویب پروگرام‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی
۳. تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه
۴. ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن
۵. تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن
۶. سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی

صلاحیت‌های اختصاصی ولسی جرگه:

ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی
۲. اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام‌های انکشافی و بودجه دولت
۳. تائید یا رد مقرری‌ها مطابق به احکام این قانون اساسی

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، می‌تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد، هر گاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رای عدم اعتماد را بررسی می‌کند. رای عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل مؤجه باشد. این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می‌گردد. هر یک از کمیسیون‌های هر دو مجلس شورای ملی می‌تواند از هر یک از وزرا در موضوعات معین سوال نماید و شخصی که از او سوال به عمل آمده، می‌تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

قانون چیست

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد. در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد، می‌تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد.

وزرا می‌توانند در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند، هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند. هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱. در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد.
۲. در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌نماید. جلسات شورای ملی علنی می‌باشد مگر اینکه رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آنرا درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد. هیچ شخصی نمی‌تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رای گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می‌گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد. شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می‌کند. مدت کار هر دو اجلاس شورای ملی، در هر سال نه ماه می‌باشد. در صورت ایجاب، شورا می‌تواند این مدت را تمدید کند. جلسات فوق العاده شورای ملی در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می‌تواند. در حالات وفات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دائم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد. امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و وظایف داخلی تنظیم می‌گردد. پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی‌تواند.

چند مثال از اسناد تقنینی تصویب شده از طرف ولسی جرگه در سال‌های ۱۳۹۶:

- فرمان تقنینی شماره (۱۴۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۴ رئیس جمهور در مورد تعدیل و ایزاد در برخی از مواد قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی در افغانستان.
- فرمان تقنینی شماره (۲۴۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ رئیس جمهور در رابطه تعدیل و حذف برخی از مواد قانون ثبت احوال نفوس.
- تعدیل برخی از مواد قانون محصول خدمات مخابراتی) طرح پیشنهادی اعضای ولسی جرگه (به اساس تقاضای اعضای ولسی جرگه طرح مکمل قانون لغو شد.

انتخابات شورای ملی:

شورای ملی افغانستان از دو مجلس یعنی مشرانو جرگه و ولسی جرگه متشکل بوده که در قانون اساسی بیش از ۲۵۰ کرسی به ولسی جرگه اختصاص داده نشده است.

انتخابات شوراهای ولایتی:

تعداد اعضای شورا های ولایتی به تناسب نفوس هر ولایت از ۹ الی ۲۹ نفر عضو متغیر بوده و هر ولایت منحصراً یک حوزه انتخاباتی به حساب می‌آید. کاندیدای هر ولایت باید مسکونه همان ولایت بوده و هیچ شخص در یک وقت کاندید هر دو مجلس بوده نمیتواند. و در قانون جدید انتخابات یک چهارم از کرسی های شورای ولایتی به زنان اختصاص یافته است.

انتخابات شوراهای ولسوالی ها:

این شورا ها نیز متناسب به نفوس هر ولسوالی متشکل از ۵ الی ۱۵ عضو بوده و کاندیدان باید حتماً مسکونه همان ولسوالی باشند که در آن کاندید اند. بعد از ختم این انتخابات و انتخاب اعضای شورا های ولسوالی ها با گذشت ۱۵ روز از تاسیس آن تمام شورا های ولسوالی های هر ولایت دسته جمعی یک نفر را منحصراً عضو مشرانو جرگه انتخاب می‌نمایند.

موضوع ۱: چالش‌ها و پیامدهای حکومت موقت و آتش‌بس

حکومت موقت: چالش‌ها و فرصت‌ها

حکومت اغلب به ساختاری گفته می‌شود که به اداره و انتظام یک کشور می‌پردازد. کاربرد واژه‌ی حکومت هرچند بر بنیاد ماده‌ی هفتاد و یکم قانون اساسی افغانستان، اشاره به قوه‌ی مجریه است، اما گاهی برای کل ساختار سیاسی نیز به کار می‌رود. طوری که حکومت در معنای کلی، به سازوکاری برای تعیین سیاست‌های کلان و وسیله‌ای برای اعمال سیاست‌های کشوری دانسته می‌شود. افزون بر آن، در دنیای مدرن، ایجاد حکومت‌ها بیشتر بر مبنای سازوکارهای از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. انتخابات یکی از روش‌های دموکراتیکی است که در قوانین اساسی کشورها برای تشکیل حکومت‌ها پیش‌بینی شده است.

از سوی دیگر، ایجاد و تشکیل حکومت گاهی از مجراهای قانونی و دموکراتیک آن ممکن نمی‌باشد. از این رو، کشورها برای این که مرحله‌ی بحران سیاسی، جنگ داخلی و حکومت‌های خودکامه‌ی گذشته را ترک بگویند و به آینده‌ی روشن دست یابند، تن به تشکیل حکومت موقت می‌دهند.

یوسی شاین، از حقوق‌دان‌هایی که در زمینه‌ی تشکیل رژیم‌های موقتی تحقیق کرده است، معتقد است که در رأس جستارهای وابسته به ایجاد حکومت موقت، مسأله‌ی ثبات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما ثبات چیست؟ یوسی شاین به این باور است که ثبات با داشتن قدرت انحصار بر ابزار خشونت پیوند ناگسستنی دارد. او می‌افزاید: آن‌هایی که حکم می‌رانند، دارنده‌ی این قدرت مشروع انحصاری هستند و در نهایت قدرت انحصار مشروع به انحصار دموکراتیک تغییر می‌کند، هرچند این تغییر ضمانت شده نیست.

بعضی دانشمندان، همچون مایکل روزنفلد، گذار از خودگامگی و یک‌سالاری به سوی دموکراسی را دلیل مهم و توجیه قابل دفاع برای ایجاد حکومت موقت می‌دانند. روزنفلد با در نظر داشت نقش خشونت سیاسی در ایجاد نظم بر مبنای قانون اساسی، استدلال می‌کند که از نظر تاریخی، انتقال قدرت از یک حکومت خودکامه به حکومت دموکراسی اغلب با خشونت همراه بوده است. او بنا بر دو دلیل، خشونت سیاسی را برای ایجاد دموکراسی - قانون اساسی (constitutional democracy) پیش‌فرض مهم می‌داند: اول این که: چون خودکامه‌ها برای از دست دادن یا انتقال داوطلبانه‌ی قدرت علاقه ندارند، از این رو، نیاز به کاربرد خشونت می‌رود. بنابراین، ضروری پنداشته می‌شود تا غرض تسویه حساب با حکومت قبلی و ایجاد حکومتی بر مبنای خواست ستم‌دیدگان، دوره‌ی موقت ایجاد شود تا به این مسایل رسیدگی شود. دوم این که: دوره‌ی انارشی‌ای که با کاربرد خشونت معمولاً همراه است، سبب می‌شود تا برای ستم‌دیدگان فرصتی فراهم سازد تا به دادخواهی در برابر ستم‌کنندگان پیشین برخیزند، که خود در واقع سبب شکل‌گیری هویت جدید بر مبنای قانون اساسی می‌شود.

در این صورت، اگر به این استدلال دقیق نگریسته شود، تنش جدی میان بحث ضرورت به خشونت در فرایند ساختن قانون اساسی و مفهوم قانون اساسی - گرایید دیده می‌شود. یعنی، خشونت‌گرایی در برابر قانون اساسی - گرایید قرار می‌گیرد و بر بنیاد پروژه‌ی حاکمیت قانون، ایجاد قانون اساسی باید بر اساس سازوکارهای قانونی صورت بگیرد، نه پروسه‌هایی که خود غیرقانونی اند. به هر ترتیب، مأموریت اصلی قانون اساسی، گشودن راه معقول برای حل منازعات سیاسی به گونه‌ی مسالمت‌آمیز و توسط نهادهای قانونی است. به علاوه، روح قانون اساسی همواره در مغایرت با خشونت به عنوان وسیله‌ای برای حل منازعات است. از این رو، استفاده از خشونت برای ایجاد یک رژیم قانون اساسی در تضاد به هدفی است که نظم قانون اساسی در پی آن می‌باشد.

به هر صورت، ایجاد حکومت موقت برای گریز از بحران و گذار به دموکراسی در کشورهای مختلف تجربه شده است. به گونه‌ی مثال، کشورهای کمبودی و تیمور شرقی از مزایای این نوع حکومت استفاده‌ی بهینه کردند. هرچند در هر دو کشور، کمبودی و تیمور شرقی، حکومت موقت بر مبنای رضایت ساخته شدند، اما میان حکومت موقتی که در کمبودی در پاسخ به جنگ داخلی ساخته شد و حکومتی که در تیمور شرقی بنا بر پاسخ جامعه‌ی بین‌المللی به بحران حکومتی‌ای ناشی از جنگ استقلال به میان آمده بود، باید فرق قایل شد. در ضمن، سوال مهمی که به ذهن می‌آید، این است که آیا همان‌گونه که هر دو دولت موقت در به دست آوردن اهداف کوتاه‌مدتی مثل تأمین صلح و ثبات به نتیجه‌ی ملموس دست یافتند، آیا در درازمدت نیز در عرصه‌ی صلح و دموکراسی به گونه‌ی پایدار دست‌آوردی داشتند یا خیر؟

اندونزی نیز یکی از تجربه‌های موفق تشکیل حکومت موقت برای دست‌یابی به ثبات سیاسی و کاهش خشونت‌های داخلی را پشت سر گذاشته است. اگرچه گذار به دموکراسی یا حداقل گذار به روش حکومت دموکراتیک در نتیجه‌ی جنگ داخلی اتفاق نیفتاده است. حتا گفته می‌توانیم که هیچ نوع تحمیل یا مداخله‌ی بیرونی نیز در کار نبوده است. به باور میکایل مالی، آنچه که حکومت موقت اندونزی به آن شباهت داشت، بیشتر مدل سرپرستی بود تا مدل شناخته شده و از پیش آماده شده. از این جهت، مسأله‌ی اندونزی مثال خوبی از گذشته است که در آن گذار بیشتر جنبه‌های داخلی داشت و به مدل‌های قدیمی حکومت موقت شباهت داشت تا به نوع جدید و در حال ظهور. اضافه بر آن، ایجاد رژیم موقت اندونزی ناشی از بحران دهه‌ی ۱۹۹۰ بود که در آن کارگران به اعتصاب گسترده دست زدند. این مسئله سبب شد تا بی‌نظمی و خشونت در اندونزی تشدید یابد و در نتیجه رئیس‌جمهور در سال ۱۹۹۸ استعفا کند. به این لحاظ، برخی‌ها معتقد اند که حکومت موقت پُلی بود میان استبداد در گذشته و آینده‌ی دموکراتیک. در واقع، در تشکیل حکومت موقت اندونزی، جامعه‌ی جهانی بیشتر به عنوان تسهیل‌کننده‌ی پروسه‌ی سهم‌گرفت تا دیزاین‌کننده‌ی آن، و سازمان ملل متحد تنها در تدویر انتخابات کمک کرد، نه در چگونگی نوشتن قوانین آن. به همین دلیل، انتخابات و اصلاحات در قانون اساسی گام مهمی به سوی دموکراسی در اندونزی پنداشته می‌شود.

ایجاد نخستین حکومت موقت با مداخله‌ی جامعه‌ی جهانی در افغانستان پس از طالبان نیز تجربه‌ی تقریباً موفقی بوده است. از این رو، برخی اعتقاد دارند تا دوباره روی ایجاد حکومت موقت در افغانستان برای برون‌رفت از بحران کنونی بحث‌های صورت گیرد، اما آن‌گونه که جسیکا پیمبو استدلال می‌کند: افغانستان نتوانست پس از ایجاد حکومت موقت، اقتدار مرکزی را به گونه‌ی درست آن احیا کند و این سبب شد تا افغانستان دوباره بی‌ثبات شود. در ضمن، آنتنیو دونی معتقد است که مشروعیت دولت در افغانستان اغلب مورد منازعه است. چون اعمال قدرت و انتقال قدرت بیشتر به کابل و حاشیه‌های آن محدود می‌باشد و توقعات مردم در محلات همواره موضوع حاشیه‌ای بوده تا اصلی. در عین حال، مهم‌ترین مسئله برای سیاست‌مداران افغانستان برگزاری انتخابات است تا مسایل کلان دیگر، و هربار برای آن‌ها این موضوع، مسئله‌ساز بوده است.

از جانب دیگر، مانع اصلی ایجاد دوباره‌ی حکومت موقت در افغانستان، قانون اساسی است که انتقال قدرت را تنها با روش‌های دموکراتیکی هم‌چون انتخابات ممکن و میسر می‌سازد. قانون اساسی افغانستان تنها در یک مورد - ماده‌ی شصت و هفتم - اشاره به موقتی بودن رئیس‌جمهور دارد. آن‌هم، در صورت استعفا و عزل یا وفات رئیس‌جمهور و یا بیماری صعب‌العلاجی که مانع اجرای وظیفه‌ی رئیس‌جمهور شود، معاون اول رئیس‌جمهور به حیث رئیس‌جمهور موقت صلاحیت‌ها و وظایف رئیس‌جمهور را به عهده می‌گیرد. در این حالت، در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس‌جمهور جدید بر بنیاد ماده‌ی شصت و یکم قانون اساسی برگزار می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس‌جمهور موقت دارای یک سلسله

محدودیت‌های قانونی می‌باشد. به ویژه، او نمی‌تواند اموری مثل تعدیل قانون اساسی، عزل وزرا و مراجعه به آرای عمومی را انجام دهد. هرچند برخی‌ها باور دارند که نقض گسترده‌ی قانون اساسی از سوی مقامات حکومتی و گسترش بحران سیاسی، امنیتی و اقتصادی و سهم‌شدن طالبان در ساختار آینده قدرت - توجیه قابل دفاع برای ایجاد دوباره‌ی حکومت موقت پنداشته می‌شود، اما باید توجه داشت که حکومت موقت به گونه‌ای حتم سبب ثبات سیاسی و صلح پایدار نمی‌شود و این حکومت‌ها اغلب در کوتاه‌مدت پُلّی میان صلح و دموکراسی بوده‌اند. در درازمدت، این بیشتر به قشر سیاسی جامعه برمی‌گردد تا منافع ملی کشور را در اولویت قرار داده و برای منازعات‌شان راه حل‌های مسالمت‌آمیزی را انتخاب کنند. همچنین، به کیفیت انتخابات، گستره‌ی اقتدار دولت و مشروعیت دولت بیش از هر مسئله دیگر توجه جدی شود.

سایه‌روشن گفتگوهای صلح حکومت افغانستان با طالبان

نزدیک به ۱۷ سال از منازعه خونین بین طالبان و حکومت افغانستان می‌گذرد. آتش بس موقت میان نیروهای حکومت و شورشیان طالبان امید به باز کردن دری جدید به سوی مذاکرات صلح را پررنگ کرده است.

طالبان از دیرزمانی به این سو خواسته‌شان این بوده که نیروهای خارجی باید کاملاً از افغانستان خارج شوند تا آنان حاضر به مذاکره در مورد صلح گردند. این خواسته طالبان همواره مانعی برای شروع مذاکرات بالقوه صلح بوده است.

اینجا تاریخچه کوتاهی از پیشگامی‌ها برای گفتگوهای صلح در گذشته و در طول شور شگری طولانی مدت در این کشور ارائه می‌گردد:

در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ بود که ایالات متحده آمریکا در پی حملات یازدهم سپتمبر بر برج‌های دوگانه تجارت جهانی در نیویارک، به افغانستان حمله نظامی کرد و رژیم طالبان را در جریان چند هفته برانداخت. اما از سال ۲۰۰۳ توجه آمریکا بیشتر به عراق جلب شد.

طالبان و دیگر گروه‌های ملیشه به سرپناه‌های خود در جنوب و شرق افغانستان برگشتند، مناطقی که آنان از آنجا به آسانی می‌توانستند به مناطق نیمه خودمختار کمربند قبایلی بین پاکستان و افغانستان سفر کنند. این شورشیان به آرامی دوباره صف آرایی کردند.

در ماه فبروری سال ۲۰۰۷ یک بار دیگر توجه به رشد طالبان در افغانستان زمانی جلب شد که این شورشیان گروه در جریان سفر دیک چین معاون وقت رئیس جمهور آمریکا به افغانستان، بر یک پایگاه آمریکایی حمله کرده و ۲۴ تن را کشتند.

بارک اوباما رئیس جمهور آمریکا در دسمبر سال ۲۰۰۹ دستور "افزایش" ۳۰ هزار سرباز آمریکایی در افغانستان را در ماه دسمبر صادر کرد؛ اما خروج نیروهای این کشور از افغانستان در سال ۲۰۱۱ آهسته آهسته آغاز شد. شمار نیروهای ناتو به رهبری آمریکا اما تا تابستان سال ۲۰۱۰ به سطح ۱۵۰ هزار نفر رسید.

در ماه می سال ۲۰۱۱ سامه بن لادن رهبر القاعده بالاخره توسط نیروهای ویژه آمریکایی در پاکستان کشته شد. کشته شدن وی درخواست‌ها برای پایان جنگ آمریکا در افغانستان را افزایش داد. اندکی بعد، اوباما اعلام کرد که ۳۳ هزار سرباز آمریکایی از افغانستان تا اواسط سال ۲۰۱۲ از این کشور بیرون می‌شوند.

امیدواری برای صلح

اما امیدواری ها برای مذاکرات صلح با طالبان یک بار دیگر زمانی به بن بست رسید که برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح افغانستان در حکومت حامد کرزی رئیس جمهوری سابق افغانستان در حمله ای انتحاری کشته شد.

ربانی عالی رتبه ترین مقام حکومتی بود که در جریان منازعه چندین ساله با طالبان در سپتامبر سال ۲۰۱۱ کشته شد. مقامات افغان، طالبان را مسؤول این حمله خواندند. ربانی زمانی رئیس جمهوری حکومت مجاهدین در افغانستان بود.

طالبان در ماه جون سال ۲۰۱۳ در دوحه پایتخت قطر برای خود دفتری سیاسی باز کردند و مذاکرات را با کانال های محرمانه مقامات ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در مسیری ممکن برای دست یافتن به صلح آغاز کردند.

اما این ابتکار یک ماه بعد، پس از آن که این دفتر طالبان به عنوان سفارت غیررسمی برای یک دولت در تبعید رفتار کرد، حامد کرزی رئیس جمهور پیشین افغانستان را تحریک نموده و خشمگین ساخت.

در ماه دسامبر سال ۲۰۱۴، ناتو رسماً به ماموریت جنگی اش در افغانستان پایان داد و مسؤولیت امنیتی این کشور را به نیروهای افغان سپرد که از هر جانب با شورشیان درگیر بودند و تلفات سنگینی را متحمل می شدند.

اما امیدواری ها برای از سرگیری مذاکرات صلح بین کابل و طالبان افغان برای اولین بار از زمان شروع منازعه، در سال ۲۰۱۵ بیشتر شد و در جولای همین سال در پاکستان آغاز گردید.

مرگ ملا عمر رهبر طالبان که دو سال قبل از آغاز این مذاکرات رخ داده بود و طالبان آن را مخفی کرده بودند، به سرعت این مذاکرات را متوقف کرد.

در سال های پس از آن، امنیت در افغانستان، به ویژه در کابل، رو به وخامت گذاشته است و گروه تروریستی "دولت اسلامی" یا داعش نیز امنیت این کشور را با چالش هایی جدی روبرو کرده اند و نیروهای امنیتی افغانستان را در مبارزه با خود بیشتر مشغول کرده است. اکنون نماینده ویژه آمریکا در امور صلح افغانستان در دوحه در عقب در های بسته برای بیش از ده روز در مورد صلح افغانستان با نماینده گان طالبان به مذاکره پرداخته است.

شدت گرفتن جنگ

پایتخت افغانستان مرگبارترین مکان در این کشور برای غیرنظامیان شده و تلفات ملکی به شدت افزایش یافته است. در ماه فبروری سال پار محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان برنامه ای برای آغاز مذاکرات صلح با طالبان، از جمله به رسمیت شناختن شان به عنوان یک حزب سیاسی را پیشنهاد کرد. او همچنان طرح آتش بس را به عنوان بخشی از این برنامه پیشنهاد نمود.

این برنامه جامع ترین طرح کابل برای صلح بود؛ اما گروه طالبان که حکومت غنی را نامشروع می بیند، به جای آن حملات خود را افزایش داده است. طالبان تاکنون در مورد این پیشنهاد رئیس حکومت وحدت ملی افغانستان چیزی نگفته اند.

آتش بس موقت

در ۳۱ ماه می سال پار نیز پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا گفت که مقامات ارشد افغانستان در حال گفتگو با طالبان برای آتش بس هستند.

چند روز بعد، در هفتم ماه جون ۲۰۱۸، اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان از طریق تلویزیون اعلام کرد که به خاطر مراسم عید فطر از ۲۷ ماه رمضان تا پنجم عید، موقتاً با طالبان آتش بس می کند.

وی به نیروهای امنیتی و دفاعی کشورش دستور داد که عملیات های تهاجمی خود را بر مواضع طالبان از زمان آتش بس اعلام شده، متوقف کنند.

اما طالبان سریع واکنش نشان ندادند. همزمان کارشناسان متردد بودند. موجی گسترده از درخواست های مردم افغانستان برای پذیرش این پیشنهاد آتش بس شبکه های اجتماعی را پر کرد. ناتو و آمریکا نیز از این پیشنهاد آتش بس استقبال کردند. سازمان ملل نیز آن را گامی به پیش برای آغاز مذاکرات صلح خواند.

بالاخره در یک روز شنبه طالبان نیز اعلامیه ای بی سابقه نشر کرده و برای اولین بار در سه روز عید فطر با نیروهای حکومتی افغانستان آتش بس اعلام نمودند. این اعلامیه مستقیماً به پیشنهاد رئیس جمهوری افغانستان اشاره نمی کند، اما تاریخ آتش بس های اعلام شده در برخی روزها منطبق بر هم هستند.

حکومت افغانستان از ۱۲ تا ۲۰ جون را آتش بس اعلام کرده، در حالی که طالبان فقط از ۱۶ تا ۱۸ ماه جون را آتش بس اعلام نموده اند.

این حرکت ها توسط بسیاری ها با احتیاط نگریسته می شوند. اما همزمان تسکین موقت شهروندان خسته از جنگ این کشور می خوانند و از پیشنهاد آتش بس مقامات افغانستان و طالبان استقبال می کنند. یک تحلیلگر غربی در کابل به خبرگزاری فرانسه گفت که این "اقدامی برای اعتماد سازی" است. این که آیا چنین مسأله ای به واقعه بزرگتری منجر می شود، هنوز باید منتظر ماند و دید. واقعه بزرگتر از نظر این کارشناس، احتمالاً آغاز مذاکرات صلح و دست یافتن به آن است.

سرنوشت مذاکره با طالبان:

در خصوص مسأله مذاکره دولت افغانستان با گروه طالبان باید گفت که این گروه که بنا به درخواست کشورهای افغانستان، پاکستان، چین و آمریکا در چهار دور از مذاکرات صلح قبلی شرکت کرده بود، این گروه با تاکید بر پیششرطهای خود، تنها راه ایجاد صلح و امنیت در افغانستان را خروج نیروهای خارجی از افغانستان، برگزاری انتخابات آزاد و تغییر قانون اساسی، خارج شدن نام این گروه از فهرست سیاه سازمان ملل و آزادی زندانیان خود میداند.

دولت افغانستان و گروه طالبان دو ماه پیش در جریان سه روز عید فطر نیز آتش بس دو جانبه اعلام کردند که روی هم رفته از سوی هر دو طرف رعایت شد و امیدواری ها برای آتش بس درازمدت را افزایش داد. آتش بس اولی از جانب دولت افغانستان برای 18 روز رعایت شد. حدود یک سال پیش در پی توافق آتش بس، طالبان پس از هفده سال یکبار دیگر روی جاده های کابل ریختند.

اما پس از پایان آتش بس گروه طالبان حملات شدیدی را علیه مواضع نیروهای دولت افغانستان به راه انداختند و در ماه های گذشته نبردها در این کشور به صورت بی سابقه شدت گرفته است.

در روز های اخیر نیز گروه طالبان در حمله گستردهای را به شهر غزنی مرکز ولایت غزنی، بخش های از این شهر برای چند تصرف کردند و در نتیجه این حمله صد ها سرباز نیروهای امنیتی، غیرنظامیان و اعضای این گروه کشته شدند. قرار گزارش دیپلمات های خارجی طالبان در قطر و هم شورای کویته با آتش بس موافق هستند، اما روی چگونگی مدیریت آن هنوز به نتیجه نرسیده اند. بر اساس گزارش ها، این گروه نمیخواهد مثل بار قبل وارد شهرها شده و ملای عام ظاهر شود.

در همین حال، رهبر طالبان در پیامی به مناسبت عید به مذاکرات مستقیم با آمریکا تاکید کرده است و در عین حال گفته، آمریکایی ها برای فرار از پذیرفتن مسؤلیت جنگ، به جای مذاکرات سازنده، راه و طرحی را پیشنهاد کرده که نه معقول است و نه هم عملی جزئیات این طرح هنوز روشن نیست. گروه طالبان تایید کردند که مسؤولان این گروه با یک دیپلمات ارشد آمریکایی مذاکرات مستقیم کرده اند.

بر اساس گزارش روزنامه نیویارک تایمز، نیروهای امنیتی افغانستان از مناطق دور دست و کم جمعیت افغانستان خارج میشوند و بیشتر به امنیت شهرهای بزرگ و مناطق پرجمعیت تمرکز می کنند. به گفته مسؤولان در وزارت دفاع جای نیروهای امنیتی را اردوی محلی می گیرند. خروج نیروهای امنیتی دولت افغانستان از مناطق دورافتاده و کم جمعیت تبعات منفی و پیامدهای زیانباری برای امنیت و ثبات افغانستان خواهد داشت. قبل از هر امری، تعریف مناطق دور افتاده و کم جمعیت، خود یک تعریف و تعبیر گمراه کننده و غیراصولی است. تقسیم مناطق یک سرزمین به دور افتاده و نزدیک به شهرها، خصوصاً در مبحث امنیت یک تعریف نادرست است. بسیاری از مناطق در یک کشور، با آنکه دور افتاده هستند و یا کم جمعیت اند و یا شاید هیچ جمعیتی نداشته باشند، اما دارای اهمیت استراتژیک و سوق الجیشی هستند و باید برای حفظ و دفاع از آنها تلاش کرد. با توجه به اینکه افغانستان کشوری کوهستانی، با مردمی اکثر روستایی است، و شهرها و مناطق پرجمعیت محدودی دارد، تصور حفاظت از شهرها و مناطق پرجمعیت، بدون توجه و تمرکز بر مناطق روستایی، دوردست و کم جمعیت، غیر عملی و نادرست به نظر می رسد.

این طرح به طالبان فرصت تجدید قوا و حملات بیشتری را میدهد و حیاط خلوتی برای شان مهیا میکند که بتوانند به راحتی به اهدافشان حمله کنند. سقوط چندین ولسوالی در سال روان و سال گذشته نشانه واضحی است که نیروهای امنیتی و وزارت های مسؤول، در قسمت هماهنگی با نیروهای محلی و دفاع از ولسوالی ها و ادارات دولتی ضعیف بوده و نتوانستند در هماهنگی لازم با یکدیگر و پولیس محلی از سقوط این ولسوالی ها جلوگیری کنند.

از سوی دیگر، ایجاد پولیس محلی، که بر اساس طرح جنرال دیوید پیتربوس قوماندان سابق نیروهای ناتو در افغانستان، در سال ۲۰۱۰ میلادی پیشنهاد شده بود و قرار بود به مدت پنج سال از آنها در زمینه تامین امنیت استفاده شود، با مشکلات و چالش های زیادی همراه بوده است. همچنین طرح اردوی محلی با رهبری اردوی ملی افغانستان که به تازگی آغاز شده نیز بعید است بتواند جوابگوی تهدیدهای روزافزون دشمنان افغانستان باشد. یکی از مهمترین مشکلاتی که پولیس محلی دارد و اردوی محلی نیز خواهد داشت، ارتباط نزدیک و مؤثر با نیروهای امنیتی و کمبود امکانات و تجهیزات نظامی برای مقابله با تهدید طالبان و دیگر گروه های دهشت افکن است. پولیس و اردوی محلی تنها مجهز به سلاح های سبک هستند، توانایی کشفی و استخباراتی پایینی دارند، قدرت نقل و انتقال ندارند، در حالی که طالبان از نگاه تسلیحات در وضعیت بهتری قرار دارند، از سیستم کشف و

استخبارات قوی و متمرکز استفاده می کنند، و به راحتی نیروهای شان را با توجه به اهداف شان نقل و انتقال می دهند. معنای دقیق این طرح عقب نشینی است. همان گونه که در شهرها به جای تامین امنیت کل شهر و شهروندان و سخت گیری و تلاشی جدی در دروازه های ورودی شهر، به دور نهادهای دولتی و مراکز نظامی حصارهای امنیتی کشیده شده، رها کردن مناطق خلوت روستایی و دورافتاده و تجمع در مناطق شهری و مزدحم نیز کمکی به تامین امنیت شهرها نمی کند، بلکه محدوده فعالیت نیروهای امنیتی را تنگتر و فضا را برای حملات و تحرک نیروهای دشمن بیشتر می کند. بهتر است به جای ارایه و یا قبول هر نوع طرحی که محدودیت فعالیت نیروهای امنیتی را محدود میکند، به افزایش نیروهای امنیتی، آموزش و تجهیز آنها تمرکز شود. توانایی ها، هماهنگی، سوق و اداره، آموزش و میزان موثریت نیروهای امنیتی با هیچ نیروی دیگری مانند پولیس محلی قابل مقایسه نیست. افغانستان به نیروهای نظامی، امنیتی و استخباراتی قوی، منسجم، هدفمند، آموزش دیده و با انگیزه بالا برای دفاع از تمامیت ارضی و شهروندان کشور نیاز دارد تا بتواند از نقطه نقطه افغانستان با صلابت و ابهت دفاع کند.

بر اساس برنامه ای که از طرف وزارت دفاع روی دست گرفته، نیروهای دفاعی و امنیتی افغان مناطق دورافتاده و کم جمعیت کشور را ترک میکنند. این نیروها به منظور بلند رفتن احضارات، تقویت توان عملیاتی این نیروها در نقطه های مهم و استراتژیک و جلوگیری از زیانهای جانی که غالباً در جنگهای چریکی متقبل میشوند مناطق غیر استراتژیک را ترک میکنند. پروسه ترک مناطق کم جمعیت و غیر استراتژیک از چندی به این سو آغاز شده و هم اکنون نیروهای ارتش ملی از مناطق دور افتاده ولایت های پکتیا، غزنی، غور و فراه عقب خواسته شده و در برخی ولایات دیگر نیز این پروسه در حال تطبیق است. نگرانی های وجود دارد که ممکن است مناطقی که از وجود نیروهای ارتش ملی تخلیه میشوند، زیر کنترل جنگجویان طالب قرار گیرد. اما قابل ذکر است که نیروهای دفاعی کشور تنها از مناطقی عقب خواسته میشوند که از دید استراتژیک و جمعیتی اهمیتی چندانی نداشته باشد. این گفته ها در حالی مطرح می شود که روزنامه نیویورک تایمز به تازگی به نقل از چند مقام آمریکایی گزارش داده است براساس بخش های منتشر نشده استراتژی جدید آمریکا در قبال افغانستان، نیروهای ارتش ملی افغانستان مناطق دور افتاده و کم جمعیت این کشور را ترک خواهند کرد. براساس این گزارش، قرار بوده تا این برنامه امنیتی از چندی به این سو به مرحله تطبیق گذاشته شود اما شماری از فرماندهان ارتش افغانستان از آنچه ایجاد بدگمانی در میان مردم مناطق دورافتاده گفته شده در برابر تطبیق این برنامه مقاومت نشان داده اند.

موضوع ۲: خروج آمریکا و تهدید دستاوردهای هفده سال اخیر

خروج آمریکا از افغانستان

اعلان ناگهانی کاهش سربازان آمریکا در افغانستان و احتمال خروج آمریکا از آن، به درستی نگرانی ها و چالش های جدیدی را به وجود آورده است. شماری از باورها در افغانستان برین است که تذکر ریاست جمهوری به دلیل مورد اعتنا قرار نگرفتن در مذاکرات به اصطلاح صلح میان آمریکا و طالبان هم بیش از آنکه واقعی باشد، نمایشی بوده و به هدف انحراف اذهان عمومی است تا مردم و نیروهای مخالف طالبان را منتظر تحرک حکومت ارگ نگهدارند و فرصت هر گونه ابتکار عمل را از آنان بگیرند شماری نیز بر این باور هستند که انتصاب چهره های مشهور به ضد طالبان همچون اسدالله خالد و امرالله صالح در وزارتخانه های دفاع و داخله نیز در همین راستا بیشتر قابل درک و تحلیل است.

در طول ۱۸ سال گذشته، به صورت پنهان و آشکار تمامی چهره های فعال در صحنه سیاست افغانستان به نوعی ادعا می کردند که نحوه عملکرد شان تابعی از سیاست ها و تصمیمات آمریکا است چون بالاخره آمریکا تعیین کننده نهایی و تصمیم گیر اصلی در افغانستان است. چنین برداشتی از نقش آمریکا در افغانستان به صورت تلویحی و یا حتی آشکار، در میان مردم افغانستان هم پذیرفته شده بود. عده از تحلیل گران افغانستان با اتکا به دلایل و شواهدی، با این برداشت مخالف هستند.

در چنین شرایطی، در کنار تمام چالش ها و نگرانی های احتمالی ناشی از خروج ناگهانی آمریکا (مخصوصاً در زمان ریاست ترامپ)، یک نکته مثبت نیز وجود دارد و آن نکته این است که شوک خروج آمریکا از افغانستان شاید و البته شاید، مردم و سران اقوام مخالف طالبان را از خواب غفلت بیدار کرده و باعث شود تا دیگر به بهانه اینکه "آمریکا تصمیم گیر اصلی در افغانستان است" از پذیرش مسؤلیت و نقش خودشان در وضعیت فعلی و مهم تر از آن در تصمیم خروج آمریکا از افغانستان، پایان بحران است.

در حالی که ۱۴ ولایت افغانستان در گیر جنگ با طالبان است، رئیس جمهور آمریکا یکبار دیگر بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تاکید کرده و گفت که تاخیر در خروج نیروها مشکل سیاسی با افغانستان را حل نخواهد کرد. جان مکین یک مقام آمریکایی گفته است که با خروج آمریکا از افغانستان، سناریوی عراق تکرار خواهد شد. ماموریت افغانستان در کدام قسمت از اولویت های سیاست آمریکا قرار دارد و آیا آمریکا افغانستان را بزودی ترک خواهد کرد؟

شماری تاکید دارند که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان می تواند سرآغاز یک بحران باشد. افغانستان نتوانسته است روی استراتژی مدون امنیتی و دفاعی با آمریکا و ناتو به توافق برسد و این که آمریکا قصد دارد بنا بر منافع خود و یا شرایط منطقه به طور یکجانبه زودتر از تاریخ مشخص از افغانستان خارج می شود، می تواند زمینه ساز بروز بحران باشد نشانه هایی از این بحران را مانند موضوع انتخابات و افزایش ناامنی در کشور را می بینیم.

خروج نیروهای آمریکایی خصوصاً این که روی جدول زمانی آن به توافق رسیدند امکان دارد عملی شود هر چند که پس از آن آمریکا در بعضی قضایا مانند تروریزم در منطقه و زمانی که منافع خود را در خطر ببینند اقدام کند ولی در حالت کلی خروج آمریکا ضرر بزرگی به کشور ما وارد می سازد.

رئیس پیشین امنیت ملی اظهار داشته است: بعضی کشورهای ناتو خواستار بوجود آوردن چنین وضعیتی هستند تا آمریکا را قانع سازند که حاکمیت نظام دموکراسی در افغانستان عملی نمی شود. آمریکا بعد از این که جنگ با تروریزم را از سال ۲۰۰۱ آغاز کرد می خواهد تا قبل از خروج از افغانستان به یک نتیجه ی منطقی که تعامل قوم ها و گروه های افغانستان از جهات مختلف است، برسد. حکومت با رهایی زندانیان، آمریکا را در افغانستان با چالش سیاسی مواجه ساخت. آمریکا نیز چاره ای جز تنها گذاشتن افغانستان و بردن امکانات و پول های خود در جایی که بیشترین منفعت را برای وی خواهد داشت ندارد.

باور ها بر این است که مردم افغانستان به مرحله ای از شعور سیاسی رسیدند که می توانند خودشان تصمیم بگیرند.

آمریکا و دشواری خروج از افغانستان

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ختم سال ۲۰۱۸ دستور آغاز بیرون شدن حدود نصف سربازان آمریکایی مستقر در افغانستان را صادر کرد. این دستور ترامپ ناگهانی و تا حدی حساب نشده تلقی شد. برخی از مقامات بلندپایه نظامی و سیاسی این تصمیم ترامپ را عجولانه و غیراستراتژیک خواندند. پس از این تصمیم ترامپ برای خروج بخشی زیادی از نیروهای آمریکا از افغانستان، وزیر دفاع آمریکا استعفای خودش را از دولت آمریکا درخواست کرد. به باور بسیاری از تحلیلگران کناره گیری وزیر دفاع آمریکا می تواند بیانگر این حقیقت باشد که رئیس جمهور آمریکا بدون در نظر گرفتن بعد نظامی و استراتژی مسأله، تنها با دید سیاسی موضوع خروج سربازان آمریکا را از افغانستان مطرح کرده است. واکنش وزیر دفاع آمریکا در قبال تصمیم ترامپ عملاً می تواند این موضوع را به اثبات برساند که استراتژیست های امنیتی و نظامی آمریکا مخالف خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان می باشند. آنان معتقدند در شرایطی که تروریست ها همچنان در افغانستان فعال اند، خروج نیروهای نظامی آمریکا بر ناکامی آمریکا در مبارزه با تروریسم تعبیر و تفسیر خواهد شد که بنا به هر رویکردی که باشد عواقب سیاسی و امنیتی برای ایالات متحده آمریکا دارد. اگر این تصمیم ترامپ را در راستای استراتژی آمریکا در منطقه تحلیل کنیم باز هم دلالت از پریشانی و آشفتگی دارد. آقای ترامپ در سال گذشته استراتژی آمریکا در قبال جنوب آسیا را تعیین کرد و به پاکستان هشدار داد که در امر مبارزه با تروریسم باید با آمریکا صادقانه همکاری کند. در زمان ارائه این استراتژی، آقای ترامپ به صراحت بیان کرد که آمریکا در افغانستان می ماند و استراتژی خروج نظامی آمریکا از افغانستان هرگز مطرح نیست. او به طالبان هشدار داد که نظامیان آمریکا در افغانستان می ماند و با تروریسم مبارزه می کنند و مسأله خروج نیروهای نظامی آمریکا در دستور کار دولت آمریکا نیست. بسیاری از استراتژیست ها و سیاستگران آمریکا نیز در این قضیه با ترامپ هم نظر بودند و اکنون هم تصمیم جدید ترامپ را کارشناسی شده نمی پندارند.

جدا از این، تصمیم ترامپ بر خروج از افغانستان در شرایطی مطرح شد که از لحاظ روانی به نفع گروه طالبان و حامیان آنان تمام شد. در شرایطی که پروسه صلح افغانستان شدت یافته است و یکی از شرط های اساسی طالبان خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان می باشد، تصمیم آمریکا مبنی بر خروج بخش عظیم از نظامیان آمریکا متناسب به زمان نبود. متقابلاً واکنش و موضع گیری حکومت افغانستان بسیار بجا و مناسب بود. حکومت افغانستان اعلام داشت که خروج نظامیان آمریکا از افغانستان، تأثیری بر وضعیت امنیتی افغانستان ندارد و نیروهای دفاعی افغانستان همچنان از سرزمین خود دفاع خواهد کرد. این واکنش حکومت و هم چنین تغییرات و جابجایی در رهبری وزارت های دفاع و داخله، مورد حمایت شهروندان و نخبگان افغانستان قرار گرفت. این امر امید و انگیزه سربازان و نیروهای امنیتی افغانستان را به وضوح افزایش داد. اقدامات اخیر افغانستان قابل ستایش است.

با این هم به نظر می رسد که مقامات ناتو و حتی برخی از مقامات نظامی آمریکا بر خروج نظامیان آمریکا در شرایط حاضر موافق نیستند و مصمم اند که در مأموریت خود برای مبارزه مشترک با تروریسم در افغانستان بمانند. در همین راستا، لوی در ستیز قوای مسلح ایالات متحده در سفر به افغانستان اطمینان داد که مأموریت نظامی کشورش به گونه پلان شده در افغانستان ادامه خواهد یافت. جنرال جوزف دنفورد در دیدار با نیروهای خارجی در افغانستان تأکید کرده است که مأموریت نظامی آمریکا در افغانستان به گونه ای که در گذشته برنامه ریزی شده بود ادامه خواهد یافت. پس از تصمیم اخیر ترامپ مبنی بر خروج شماری زیادی از نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان سکات میلر، فرمانده ارشد نظامیان آمریکایی و خارجی در افغانستان نیز گفته بود که تا کنون دستور کاهش قوای آمریکایی در افغانستان برایش داده نشده است.

به نظر می‌رسد که شرایط امروز افغانستان را نمی‌شود با قیاس به گذشته تحلیل کرد. در گذشته ارتش شوروی به راحتی افغانستان را ترک کرد ولی آن‌چنان که گفته شد، آمریکا هرگز نمی‌تواند به راحتی این کار را انجام بدهد. از دیگر جنب وضعیت امروز افغانستان از لحاظ پشتیبانی افکار عمومی نیز با گذشته متفاوت است؛ شهروندان افغانستان با تمام توان از دست‌آوردهای هفده سال گذشته حمایت و حفاظت می‌کنند و از حاکمیت دوباره افراط‌گرایان بیزار اند.

بر اساس تازه‌ترین گزارش بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار)، وضعیت کنترل دولت افغانستان بر مناطق این کشور رو به کاهش است و کنترل دولت افغانستان از ۷۲ درصد در عقرب سال ۱۳۹۴، به ۵۱ درصد در سال جاری کاهش پیدا کرده است.

صلح خلاف دستاوردهای ۱۷ سال اخیر، صلح منفی خواهد بود

شماری از فعالان جامعه مدنی افغانستان بدین باور هستند که تعدیل قانون اساسی توسط طالبان یا به تعبیری مخالفین دولت نامشروع و مخالف دستورالعمل‌ها است، قانون اساسی افغانستان بهترین قانون در منطقه می‌باشد استدلال طالبان مبنی بر اینکه قانون اساسی افغانستان غربی است حقیقت ندارد چون ماده‌های نخست قانون اساسی به دین رسمی کشور و ارزش‌های جامعه اشاره دارد.

ناصر امینی یک تن از استادان دانشگاه می‌گوید ما می‌پذیریم که قانون اساسی کشور مشکلات خود را دارد اما تعدیل قانون باید مطابق به مراجع مشروع و دموکراتیک باشد یعنی ساختار افغانستان با دایر شدن لوی جرگه و با حفظ ارزش‌ها و دستاورد های ۱۷ سال گذشته اصلاح گردد.

امینی می‌گوید: اگر ما صلحی را خلاف دستاورد های ۱۷ سال گذشته بپذیریم قطعاً یک صلح منفی خواهد بود، نباید منافع ملی قربانی قدرت طلبی‌ها شود و تغییر در ساختار کنونی به نفع مردم افغانستان نیست.

وی در اخیر سخنانش خطاب به مسئولین حکومت و بزرگان سیاسی گفت: ارزش‌های چون قانون اساسی، دموکراسی، آزادی بیان، حقوق زنان و منافع ملی قابل معامله نیست و مردم افغانستان هرگز چنین صلحی را نمی‌پذیرند.

فعالان جامعه مدنی افغانستان روی قطع‌نامه کار کرده‌اند و ابراز داشته‌اند که برآیند این تحول سیاسی-اجتماعی در جامعه افغانستان، تصویب قانون اساسی مدرن، پی‌ریزی ساختار سیاسی مبتنی بر آرای مردم، تشکیل نیروهای مسلح حامی مردم و حافظ ارزش‌های ملی افغانستان و به صورت کل ایجاد میکانیزم‌های نسبتاً مؤثر در مسیر تحول و تکامل سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی است. هر چند؛ افغانستان با وجود قانون اساسی جدید و ساز و کارهای مدرن سیاسی، مدنی و اجتماعی و داشتن نیروهای مسلح ملی نتوانسته است هنوز به ثبات کامل سیاسی و اجتماعی برسد اما؛ ادامه بی‌ثباتی در افغانستان در هجده سال گذشته دلایل مختلف دیگری دارد که توجه جدی به این دلایل و شاخص‌های مداخله‌کننده در روند تحکیم صلح و ثبات دایمی در افغانستان، مخصوصاً در جریان هر نوع گفتگوی صلح امر جدی و الزامی است. ملت افغانستان اذعان دارند که حمایت و رعایت ارزش‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و مشخصاً حمایت و رعایت اصل جمهوری اسلامی، اصل استقلالیت جمهوری اسلامی افغانستان، فصل دوم قانون اساسی که تضمین‌کننده حقوق اساسی شهروندان و مخصوصاً حقوق زنان می‌باشد را، متضمن صلح و ثبات دایمی در کشور میدانند. لذا به گفته آنان؛ قانون اساسی کشور نه تنها مانع صلح در کشور نیست بلکه در صورت رعایت و تطبیق درست آن، ضامن صلح و تامین‌کننده رفاه و عدالت در کشور است.

با این حال، در این مقطع حساس سیاسی پرداختن به موضوع تعدیل قانون اساسی نه تنها در گفتگوهای صلح کمک کننده نیست، بلکه طرح این مسئله خلاف منافع ملی افغانستان بوده و عقب‌گرد جدی و ورد مجدد به جنگ‌های داخلی و فصل جدید از نقض‌های گسترده‌ی حقوق بشری در کشور می‌باشد.

منابع و مأخذ:

برای معلومات بیشتر به پیوست‌های ذیل مراجعه کنید.

1. <https://8am.af/temporary-government-challenges-and-opportunities/>
2. <http://www.ansardaily.com/view.php?kindex=9361>
3. <https://www.dw.com/fa-af/a-44146844>
4. <https://www.dw.com/fa-af/a-44158584>
5. www.parliament.af
6. www.iec.org
7. www.bbcpersian.com
8. www.moj.gov.af
9. <https://www.avapress.com/fa/news/179494>



Copyright © Youth Empowered Society

The Background Guide of Parliament of Afghanistan Balkh Model United Nations 2019 is a property of Youth Empowered Society, No part of the materials including graphics or logo, available in this document maybe copies, photocopied, reproduced, translated or reduced to any electronic medium or machine – readable form, in whole or in part, without specific permission. Distribution for commercial purposes is prohibited.